

مذهب ایلامی‌ها

نویسنده: یزدان صفایی

بدیهی است که دین مردم ایلام ماهیت چند خداگرایی داشت. متأسفانه، نام برخی از ایزدان تنها به وسیله‌ی پندارنگاری اکدی نوشته شده است؛ اما این بدان معنی نیست که فی‌المثل نام ایزد خورشید که در زبانهای سامی شمس خوانده می‌شد به همین گونه نیز در ایلام تلفظ می‌گردید، در اینجا نام وی بی‌تردید تلفظ به کلی متفاوتی داشت و شاید ناخونته Nahhunte خوانده می‌شد. دو ایزد در نوشته‌های شاه‌ی و اداری از اهمیت زیادی برخوردار بودند، این دو ایزد یکی هوبان Huban و دیگری اینشوشیناک Inshushinak نام داشتند. (۱) ربه النوع شالا Shala و همسر او، اینشوشیناک غالباً مورد پرستش بودند و بر خدایان آیین بابلی برتری داشتند. (۲) نام هوبان غالباً با نشانه‌های پندارنگاری اکدی نوشته می‌شود که وی را «بزرگ» معرفی می‌کنند. معنی تحت‌اللفظی نام اینشوشیناک، «ایزد شوش» بود. (۳)

مذهب ایلامی نکات مشترک و در عین حال ویژگی‌های کاملاً مشخص و متمایز کننده‌ای با مذهب بین‌النهرین داشته است. یکی از این ویژگی‌ها احترام خاصی بود که ایلامی‌ها همواره برای سحر و جادو، نیروهای جهان زیرین و عنصر زن قایل بودند و ویژگی دیگر، پرستش مار بود. (۴)

در یکی از کهن‌ترین مدارک موجود، یعنی معاهده‌ی میان هیت پادشاه آوان و نرام-سین سلطان اکد، که آن را می‌توان متعلق به حدود ۲۲۲۳ پیش از میلاد دانست، ما کم و بیش به نام همه‌ی خدایان ایلامی بر می‌خوریم که تا سقوط پادشاهی ایلام به دست آشوریانیال در حدود ۶۳۹ پیش از میلاد پرستش می‌شده‌اند. در این یک هزار و پانصد سال سلسله مراتب خدایان تنها اندکی تغییر کرده بود. خدایان ایلامی نخستین بار در قرن بیست و سوم پیش از میلاد قدم به گستره‌ی تاریخ گذاشتند و حتی در آن زمان این سلسله مراتب آن چنان قطعی بود که نشان می‌دهد مذهب ایلام از پیشینه‌ای بسیار کهن برخوردار بوده است. (۵) در این کتیبه یا لوح گلی، هیتا شاه ایلامی به خط میخی اسامی ۳۷ خدای ایلامی را بر روی شش ستون در هر دو طرف ذکر کرده و آن‌ها را شاهد پیمان دوستی خود با پادشاه اکد نارامسین معرفی می‌کند و علاوه بر این از این خدایان برای سلامتی خود، خانواده و نیز پیشرفت کارهای کشور یاری می‌طلبد. (۶)

در این دنیا مکان برتر به یک «الهه» تعلق داشت، و این امر مشخصه‌ی دین ایلام است (۷) معاهده‌ی هیت با استمدادهای زیر آغاز می‌گردد: «گوش فرا دارای الهه پی نی کیر و شما خدایان خوب آسمان...». در سلسله مراتب خدایان ایلامی، والاترین خدا که در واقع جدا از دیگر خدایان بود، یک الهه است. در اعصار جدیدتر پی نی کیر با عنوان «فرمانروای آسمان» توصیف شده، و در بسیاری موارد در میان مردم عادی به صورت نامهای شخصی متجلی می‌گردد. (۸) ایلامی‌ها تصور می‌کردند که او قدرت نفرین دارد. (۹) اکدی‌ها در وجود الهه پی نی کیر نوعی شخصیت ایشنار را می‌دیدند. (۱۰) دختر معروف‌ترین شاه ایلامی، شیلهک - این - شوشینک، اوتو - ا - هیپی - پینیکیر نامیده می‌شد [...] این الهه به طور وضوح برای ایلامی‌ها، «مادر شایسته همه خدایان» ایلامی بود. همین حقیقت که به یه الهه، الهه‌ای که در جایگاهی برتر و جدا از دیگر خدایان ایلامی قرار داشت، حق تقدم داده شده بود، نشان دهنده‌ی نوعی مادرسالاری نزد پیروان این دین است. (۱۱) تمام شواهد حاکی از آن است که وی «الهه بزرگ مادر» ایلام بوده است. به همین دلیل برخی از دانشمندان پی نی کیر را همان الهه کیریریش می‌دانند. (۱۲)

با توجه به مدارک پراکنده و اندک موجود، آشکار است که موطن اصلی کیریریش در جنوب شرق ایلام و مقر اصلی وی در لیان (بوشهر) در خلیج فارس بوده است [..] «اله بزرگ» به تدریج نفوذ خویش را به شوش گسترش داد و پادشاهان ایلام میانی و جدید برای کیریریش در مناطق گوناگون، معابدی بر پا ساختند. در شوش به وی لقب پر غرور «مادر خدایان» و «بانوی معبد برتر که از همه محافظت می‌کند» ارائه گردید. با این حال، کیریریش را با پی نی کیر نباید یکی دانست. اونتش گل در حدود ۱۲۵۰ پیش از میلاد در دور - اونتوش (چغازنبیل) معبدی را برای الهه پی نی کیر و معبد دیگری را برای الهه کیریریش بر پا ساخت. بر یک اثر مفرغی از دوران ایلام جدید در موزه‌ی لوور، نام هر دو الهه و نام معابد آنها در یک کتیبه برده شده است. گذشته از آن حدود ۷۱۰ پیش از میلاد در مال امیر، شاهزاده هنی به هر دو الهه کیریریش و پارتی که وی را «مادر خوب خدایان» نامیده است، متوسل می‌گردد. (۱۳) در ضمن، کیریریش در اصل یک نام خاص نیست، بلکه عنوانی است به معنی «اله بزرگ» (کیری: «اله» و ریش: «بزرگ») است. کیریریش به تدریج از لیان به شمال شرق نفوذ کرد، زیرا شاهان و شاهزادگان ایلام میانه و متأخر معابدی را در سوزیان وقف او کرده‌اند. (۱۴)

در آغاز هر یک از ایالات، الهه‌ی مادر خود را داشته است: پی نی کیر برای شوش، کیریریش برای «سرزمین دریا» در جنوب شق و پارتی برای دو ایالت مال امیر و انشان. (۱۵) این ابهام در مورد مادر خدایان با توجه به گسترش تاریخی ایلام قابل توضیح است و منعکس کننده‌ی قانون فدرال کشور است. (۱۶)

به نظر می‌رسد که این الهه‌های مادر، فرمانروایان اصلی احتمالی قلمرو خدایان ایلامی بوده‌اند. آنها به تدریج و ناخواسته (به احتمال در طول هزاره‌ی دوم پیش از میلاد) جای خود را به خدایان مرد واگذار کردند، با این حال هرگز مقام رفیع خود را در سلسله مراتب خدایان از دست ندادند. (۱۷) این ادعا با توجه به تعداد بی‌شمار شکل‌های سفالی [...] که از میان خرابه‌ها بدست آمده، اثبات می‌شود. این شکل‌ها احتمالاً نشان دهنده‌ی پینیکی یا کیریریش است. (۱۸)

در معاهده‌ی هیت، دومین مقام در سلسله مراتب خدایان ایلامی به هومبان تعلق دارد. بر خلاف چندین الهه‌ی مادر، هومبان در تمام طول تاریخ ایلام به عنوان عمده‌ترین و والاترین خدا باقی ماند. واژه هومبان به احتمال از ریشه هو پا به معنی «فرمان دادن» گرفته شده است. بنابراین، هومبان «فرمانروای آسمان» و همسر الهه‌ی مادری است که وی شکل مؤنث همین عنوان را دارد. بی‌جهت نیست که وی - همانند کیریریش - «همسر بزرگ» نامیده می‌شود. نتیجه‌ی این ازدواج فرزند است ذکور به نام هوتران. (۱۹) بر خلاف مادران خدایان و هم ترانان محلیشان، هومبان همیشه در سرتاسر ایلام مورد پرستش بود. (۲۰)

مقام رهبری هومبان در مجمع خدایان ایلامی در القاب وی نیز منعکس است. او «نگاهدارنده»، «خدای توانا»، «خدای بزرگ» و خدای خدایان است، که پادشاه تحت حمایت فره او قرار گرفته است. کلمه‌ی فره از همان روزهای نخست در مشروعیت سلطنت اهمیت فراوانی داشته است. به یمن این کلمه‌ی جادویی بود که فرمانروایان ایلام قدرت خود را پایه ریزی کردند. آنها از جانب خدایان بر روی زمین حامی مردم زیر دست خود بودند. هر خدا ظاهراً فره ویژه به خود را داشته است. اما فره هومبان نیرومندترین آنها بود و تنها به پادشاه تفویض می‌گردید. (۲۱)

خدایان شهرهای عمده در مجمع خدایان، رقبای سرسختی برای هومبان به شمار می‌رفتند. مهم‌ترین آنها اینشوشیناک بود. نام وی از نین - شوشینک سومری به معنی «خداوند شوش» گرفته شده که شاید یادمانی از نفوذ سومر بر ایلام در گذشته‌ای دور باشد، اما این توجیه کافی نیست و هنوز هم می‌توان درباره‌ی علت نامگذاری این خدای ملی ایلامی با یک نام بیگانه به جستجو پرداخت. هنگامی که شوش به صورت پایتخت بلامنازع ایلام درآمد، این

شوشینک نیز ارتقای مقام یافت و همتراز هومبان گردید. اما نام وی در معاهده‌ی هیت در ردیف ششم قرار گرفته است. در این زمان یک پادشاه از سلسله آوان در ایلام حکومت می‌کرد. حتی برای پادشاهان سیماش که پس از سلسله‌ی آوان به حکومت رسیدند، این -شوشینک صرفاً از اهمیت محلی برخوردار بود. وی برای نخستین بار در دوران بابل قدیم در مقام رهبری قرار گرفت. در دوران ایلام میانی او به همراهی هومبان و کیریریش تشکیل مثلثی را دادند، که غالباً طرز قرار گرفتن آنها در این مثلث به ترتیب اهمیت، هومبان، کیریریش، این - شوشینک، و هر از گاهی، هومبان، این - شوشینک، کیریریش بود. این - شوشینک هرگز مقام نخست را به دست نیاورد. (۲۲)

در جریان ارتقای این - شوشینک، عنوان‌های او به طرز افزایش‌دهی سلطه آمیزتر شد. از اولین مراحل، مردم عادی به او عنوان «پدر ضعیفان» داده بودند. شیوه‌ی خطابی که مبین نوعی احساس عمیق نسبت به اوست. در دوره‌ی اولیه‌ی ایلام، یعنی در اولین نیمه‌ی هزاره‌ی دوم، یک فرمانروای ایلامی این - شوشینک خدا را مثابه «پادشاه» خود و فرمانروای دیگر او را به عنوان «پادشاه خدایان» وصف می‌کند. این عنوان القا کننده دلالت بر این دارد که این - شوشینک به مقام صدر رسیده بود و این امر در تطابق با سندی متعلق به قرن سیزدهم قبل از میلاد است که هومبان و این - شوشینک هر دو را به عنوان «شاه خدایان» وصف می‌کند. هر فرمانروای بعدی خود را «خدمت گزار صمیمی شیلهک - این - شوشینک» می‌نامند. عناوینی که به این خدا داده می‌شد، در زمان شیلهک - این - شوشینک در قرن دوازدهم قبل از میلاد به قله‌ی شکوه رسید. این پادشاه او را با عنوان‌های «خدای بزرگ، خدای پایتخت من، حامی بزرگ معبد، نگهبان متوکلی که نام خود را به ما ارزانی داشت»، می‌نامد. حتی در قرن هفتم پیش از میلاد این خدا به مثابه حافظ خدایان آسمان و زمین پرستش می‌شد. (۲۳)

نظیر این - شوشینک را که در اصل یک خدای محلی بود، در دیگر ایالات ایلامی نیز مشاهده می‌کنیم. در «هوهنور»، «روهوراتیر»، مقامی برابر با این - شوشینک دارد. در معاهده هیت که یک مدرک شوشی است، همچون کیریریش نام این خدا نیز از قلم افتاده است. متون حقوقی به دست آمده از هوهنور آشکارا نشان می‌دهد که در آن اقلیم، روهوراتیر، مقامی نظیر مقام این - شوشینک داشته است. در شوش فهرست خدایان اغلب با نام خدای خورشید و این - شوشینک آغاز می‌گردد، حال آنکه در هوهنور، پس از خدای خورشید نام روهوراتیر می‌آید. لازم به یادآوری است که بنا بر رسم زمان در شوش و نیز در هوهنور مردم به این - شوشینک سوگند یاد می‌کردند (البته نه تنها به این - شوشینک، بلکه به گروهی از خدایان دیگر نیز). این - شوشینک برای همه ایلامی‌ها خدای سوگند بود و علت این امر شاید این بود که وی را در اصل یکی از خدایان جهان زیرین می‌دانستند. (۲۴)

آنچنان که امروز می‌بینیم، به نظر می‌رسد میان همه‌ی خدایان، تنها این - شوشینک بوده است که عمیق‌ترین نفوذ خود را بر روحیات ایلامی‌ها داشته است، چرا که سنگ نبشته‌های مذهبی، که معمولاً بسیار رسمی و خشک است، به مجرد آنکه این - شوشینک در صحنه ظاهر می‌شود، ناگهان روحی تازه می‌یابد. و به همین جهت، شاه اونتنش - نپیریش که هزاران متن نیایشی را بر دیوارهای معبدش در چغازنبیل نقش کرده بود، با این کلمات بسیار انسانی و تکان دهنده به او متوسل می‌شود: «شود آیا که این خدا این - شوشینک را خوش آید که به ما نزدیک شود، مراحمش را به ما بدهد و [کلامش] را جاری کند». حتی مردی که ایلام را زیر و رو کرد، شاه آشوری، آشور بانپال، این - شوشینک را به این طریق وصف می‌کند: «خدای اسرارآمیزی که در مکان ناشناسی می‌زید؛ جایی که هیچکس نمی‌تواند وجود الهی او را دریابد.» (۲۵)

دو الهه‌ی ایشن - کرب (ایشم کرب) و لکمَر (لکمَل)، این - شوشینک را به عنوان «داور مردگان» یاد می‌کنند. تا آنجا که می‌دانیم نام هیچ یک از این دو الهه در معاهده‌ی هیت نیامده است [...] در دوران بابل قدیم نام ایشن - کرب غالباً

در مجمع خدایان ظاهر می‌گردد و در کنار این - شوشینک مقام الهه‌ی سوگند را دارد. نام الهه‌ی لَکَمَر را برای نخستین بار می‌توان در دوران ایلام میانی جستجو کرد. (۲۶)

اگر بار دیگر به معاهده هیت بازگردیم، در می‌یابیم که پس از پی نی کیر و هومبان، یک خدای بیگانه به نام «آ - مال» جای سوم را به خود اختصاص داده است. پادشاه آوان بی‌شک به دلایل دیپلماتیک و احترام به طرف معاهده، یعنی نزام - سین، این موقعیت مهم را به این خدای مورد علاقه‌ی سارگون آدی داده است [...] در طول دوران بابل قدیم که شوش کاملاً زیر نفوذ میان رودان بود، استفاده از اسامی آگدی آن چنان باب شده بود که نام خدایان سومری - آگدی با تمام مشخصات در ایلام متداول گردید. این خدایان عبارت بودند از: ادد، آ، اِنکی، انلیل، ارا، ایشوم، کابتا، مرتو، نانا، نین - شوبور، ساتاران، سین، و شمش. بر نامهای مذکور همچنین باید نام این الهه‌ها را افزود: ایشنار، لاما، نین - گال، و نین - خورسک. اما رواج این نام‌ها دلیل بر نفوذ عمیق و پایدار این خدایان در فرهنگ ایلامی نیست. پذیرش واقعی خدایان سومری یا آگدی تنها در چند مورد اتفاق افتاد. (۲۷)

چهارمین جایگاه در فهرست خدایان در معاهده هیت از آنچه ناشناسی به نام «زیت» است. وی به احتمال «خدای بهبودی» است. چرا که واژه‌ی مجرد «زیتمه» به معنی «سلامتی» است. سپس قبل از نام این - شوشینک، مقام پنجم به نهوتنه، خدای خورشید داده شده است که در آن زمان هنوز نهیتی نوشته می‌شد. اغلب نهوتنه را یک الهه به حساب آورده‌اند، اما در مذكر بودن وی هیچ جای تردیدی نیست، زیرا از وی در متون ایلام میانی به عنوان «خدای حامی» استمداد می‌شود. واژه‌ی «نهوتنه» علاوه بر معنی خدا، به معنی خورشید نیز هست. احتمال دارد که این واژه از «نَن» به معنی «روشنایی روز» گرفته شده و پسوند هونتته به آن افزوده شده باشد. معنی این پسوند هنوز روشن نیست، اما واژه در مجموع شاید معنی «آورنده‌ی روز» بدهد [...] نهوتنه در واقع «خدای قانون» ایلامی‌ها بود. قلمرو ویژه‌ی او تجارت بود. وی نرخ بهره را معین می‌کرد و اوزان و ابزار سنجش را یکنواخت می‌ساخت. (۲۸) تا وقتی که افراد حتی شاهان، در نور زمین (روز) در حرکت‌اند، وفاداری ایشان متوجه خدای خورشید است، اما وقتی به قلمرو سایه‌ها می‌رسند، رعایای این - شوشینک، قاضی مردگان می‌شوند. (۲۹)

در کنار نام خدای خورشید، در سراسر طول تاریخ ایلام، یک خدای ماه نیز حضور داشت که نام او از قدیم‌ترین ایام به صورت رمز نوشته می‌شد. از این رو، نام ایلامی وی را نمی‌توان با اطمینان شناسایی کرد. به احتمال قریب به یقین نام خدای ماه به سبب لقبش «سیپاکیر - رَ» به معنی «روشنی بخش»، نیپر، خوانده می‌شده است. از آنجا که بخشهایی از دو ستون اول در معاهده‌ی هیت شکسته و نام تعدادی از خدایان از میان رفته، نام خدای ماه نیز در بقایای فهرست دیده نمی‌شود، اما نام وی در خود متن آمده است. ایلامی‌ها خدای ماه را «پدر یتیمان» می‌دانستند. در دورانهای اولیه نام این خدا زیاد برده نشده است، اما یک متن از ایلام جدید به «فره» سحرآمیز «نیپر، خدای روشنی بخش، حامی خدایان» اشاره می‌کند. در معاهده‌ی هیت، خدای ماه نیپر، در دو مورد با سه الهه ظاهر می‌گردد که قطعاً گروه شهود به هنگام یاد کردن سوگند بودند. این سه الهه عبارت‌اند از: شیاشوم (هفدهمین در فهرست)، نروندی (در جایگاه بیستم)، نیارزینا (جایگاه بیست و هفتم در فهرست). این سه الهه ظاهراً خواهران «الهه بزرگ» بوده‌اند. (۳۰)

نام شیاشوم را در ترکیبی از نام زنان مشاهده می‌کنیم: شیاشوم - اما «الهه شیاشوم یک مادر است»، یا پار - شیاشوم یعنی «زاده شیاشوم». در دوران ایلام جدید به این الهه لقب «نگهبان کاخ خدایان» داده شده است. در ایلام باستان الهه نروندی از موقعیت خاصی برخوردار بود. کوتیک - این - شوشیناک، جانشین هیت، معبدی را برای پیکره‌ها و کتیبه‌هایی به این الهه هدیه کرد. (۳۱)

دو خدای دیگر به نامهای شیموت یا سیموت و منزت همچنین بخشی از «گروه پیشرو» خدایان را تشکیل می‌دادند. شیموت پس از این - شوشینک، هفتمین جایگاه را در معاهده هیت به خود اختصاص داده بود و این امر اهمیت و اعتبار وی را در میان ایلامی‌ها نشان می‌دهد. این خدا با عنوان «منادی نیرومند خدایان» توصیف شده است. در کتیبه‌های ایلامی میانی با تأکیدی چشمگیر وی خدای ایلامی‌ها خوانده می‌شود [...] اگر چه الهه منزت (منزیت) هجدهمین جایگاه را در معاهده هیت به خود اختصاص داده اما اهمیت وی کمتر از شوهرش، شیموت نیست. (۳۲) از آیین قربانی کردن جانوران در ایلام باستان می‌توان به دو مورد خاص اشاره کرد. مهم‌ترین این آیین‌ها در جشنواره‌ی الهه‌ای ملقب به «کدبانوی ارگ» انجام می‌گرفت که بی‌شک همان پی نی کیر یا کیریش بوده است. این جشنواره به هنگام ماه نو در آغاز پاییز بر پا می‌شد و هنگام برگزاری آن گوسفندان پروراری را در باغ مقدس الهه در مراسمی که به «گوشوم» معروف بود، ذبح می‌کردند. روز اجرای این آیین را «روز جاری شدن قربانی» می‌نامیدند که منظور از آن می‌بایستی جاری شدن خون قربانی بوده باشد. گوسفندان قربانی در ماه آبوم (مهر ماه) از میان بهترین گله‌ها برگزیده می‌شدند. آیین دیگر خاص شیموت بود. هر سال روز بیست و پنجم آدار که تقریباً برابر با بیست و پنجم اردیبهشت بود، در جشنواره‌ی این خدا که جشن توگا نامیده می‌شد، گاو را سر می‌بردند. (۳۳) حیوانات قربانی شامل بز کوهی، قوچ و بزغاله است [...] یکی از نکات مهمی که در بعضی از مراسم مذهبی مخصوصاً مراسم قربانی کردن حیوانات برای خدایان ایلام دیده می‌شود خواندن سرودهای مذهبی به همراه نواختن موزیک است. بر روی نقش برجسته کول فره ماه شاهد گروه نوازندگان ایلامی هستیم، سه نفر نوازنده ایلامی با لباسهای بلند مشغول نواختن موزیک با ادوات موسیقی خویش‌اند. به همین دلیل می‌توان تصور کرد که ایلامی‌ها حداقل در مراسم قربانی برای خدایان خویش از ادوات موسیقی استفاده کرده‌اند. حتی بر روی نقش برجسته کول فره نام نوازندگان به ترتیب نوازنده چنگ به نام «سونکیر» (sunkir)، فلوت زنی به نام سونکیرشو (Sunkir-shu) و یک چنگ نواز دیگر که اسمش تخریب شده ذکر می‌گردد (۳۴) در رابطه با نذوراتی که پادشاهان ایلام یا مردم به معابد اهداء می‌کردند می‌توان طلا، نقره، باغات، زمین، گندم، اسلحه، زیورآلات، حیوانات، مجسمه‌ها و بالاتر از همه معابد و زیگورات‌ها را نام برد. (۳۵) از زمانهای بسیار کهن شمار زیادی کاهن و خدمتگزاران آنها در پرستشگاههای ایلامی در ارگ شوش مصغول به فعالیت بوده‌اند. با مطالعه‌ی مهرهای ایلامی و نیز تعدادی اشیای کوچک تزئینی از لایه‌های متعلق به دوره‌های شوش D به بعد (قبل از تأسیس امپراتوری اکّد) که در حفريات شوش به دست آمده، در می‌یابیم کاهن‌ها آیین‌های مذهبی را برهنه برگزار می‌کردند. حکاکای روی یک اثر ساخته شده از قیر طبیعی متعلق به دوران مذکور، کاهنان برهنه را با یک برهه‌ی قربانی که گرداگرد سرش جفتی مار حلقه زده‌اند، نشان می‌دهد. بر مهر متعلق به اشپوم، فرماندار اشپوم حدود ۲۲۶۵ پیش از میلاد در زمان سلطنت منیشتوسو، کاهنان برهنه را می‌بینیم که اکثراً کلاه شاخدار بر سر دارند و در مواردی سربندی به شکل مار به دور سر بسته‌اند. این افراد ظاهراً انتساب فرماندار به این مقام را جشن می‌گیرند. کلاه شاخدار نمادی از ارتباط کاهنان با خدایان در ایلام بوده است. پیکره‌های خدایان در ایلام باستان همیشه با کلاه شاخدار ارائه شده است و شاخهایی که به دیوار خارجی معابد نصب شده تأییدی بر رابطه‌ی نمادین آن بناها با جهان دیگر است. (۳۶) در رأس این تشکیلات مذهبی کاهن بزرگی به نام پاشی شو - رابو (Pashishu rabu) به خط آکدی قرار داشت. وی کلیه امور مذهبی را در سراسر کشور ایلام زیر نظر داشت. کاهنان عادی که زیر نظر کاهن بزرگ در معابد مشغول امور مذهبی بودند «شانتن» نامیده می‌شدند. در یک مورد نام کاهن دیگری از دربار هانی حاکم محلی آیابیر (ایذه فعلی) به نام «کوترشانتن» (Ku-tor: sa-tin) ذکر شده است [...] کاهنان بعضی اوقات با لباس رسمی و یا به صورت برهنه در ماکت برنزی از دوره پادشاهی اینشوشیناک مراسم نیایش را به جا می‌آوردند [...] علاوه بر کاهن

بزرگ و کاهنان دیگر تعدادی راهبه نیز در تشکیلات مذهبی ایلامی‌ها مشغول خدمت بودند [...] راهبه‌ها علاوه بر حفاظت شبانه از معابد ایلامی خود نیز در اجرای مراسم مذهبی مستقیماً شرکت می‌کردند به طوری که آنها نیایشگرانی را که قصد انجام امور مذهبی را داشتند به معبد و به پیش خدایان ایلامی هدایت می‌کردند. علاوه بر این راهبه‌های ایلامی ب دریافت نذورات می‌پرداختند. (۳۷)

واژه ایلامی برای کاهن در تمامی طول تاریخ ایلام، «شاتن» بوده است. (۳۸)

در زمان فرمانروایی سوکل مخ‌ها یا «نمایندگان بزرگ» پاره‌ای نامهای خدایان را در ترکیب با نامهای شخصی افراد می‌بینیم یا به صورتی که در آنها از خدایان استمداد شده و به نام آنها سوگند داده شده است. پس از حکومت اونتش - گل، شواهد و دارک تنها به کتیبه‌های سلطنتی سلسله‌ی شیلهک - این - شوشینک در شوش و در هوهنور محدود می‌گردد. و نیز اشاراتی که در ادبیات آگدی به خدایان شده است [...] از سوی دیگر، مجمع جدید خدایان ایلامی در دوران حکومت اونتش - گل، کم و بیش شکل گرفته بود، و از این رو، دوران حکومت این پادشاه می‌تواند زمینه‌ی مناسبی را برای مشاهده‌ی تحول مذهب ایلام به دست دهد. (۳۹)

ما بر روی نقوش برجسته ایلامی که در منطقه آپایر (ایذه) هست شاهد صحنه‌های مختلف مذهبی پادشاه ایلامی و سایر اقشار جامعه‌ی ایلامی در هزاره اول قبل از میلاد هستیم. آنچه بیش از همه بر روی این نقوش برجسته چشمگیر است اینکه در هیچ کدام از این نقوش برجسته پیکره خدایان ایلام جاری نشده‌اند. بر روی نقوش برجسته کورانگونی و نقش رستم از ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد و نیز از دوره اونتاش گال و بر روی استل وی، ما شاهد حضور عینی خدایان ایلام در مراسم نیایش ایلامی‌ها هستیم؛ اما این امر در هزاره اول قبل از میلاد در صحنه‌هایی که هانی حاکم آپایر در آن شرکت می‌کند دیده نمی‌شود. سؤالی که در اینجا مطرح است اینکه آیا تفکرات مذهبی ایلامی‌ها در هزاره اول قبل از میلاد تغییر کرده و حداقل نخواستند پیکره خدایانی را در هنگام نمایش صحنه‌های مذهبی خویش بر روی نقوش برجسته نمایش دهند؟ (۴۰)

به نظر می‌رسد که در طول تاریخ سلسله مراتب خدایان مشمول دگرگونی‌های مهمی شده است. والاترین مقام در فهرست خدایان از آن الهه‌ی بزرگ، پی نی کیر بوده است. این برتری برای یک الهه احتمالاً بازتابی است از نظام مادرسالاری که در تمام طول تاریخ به تمدن ایلام ویژگی مب خشد. حتی هنگامی که در مجمع خدایان این برتری به یک خدای مرد تفویض گردید، که شاید این امر بر اثر نفوذ باورهای غربی بوده باشد، پرستش خدایان زن عمومیت خود را در سراسر امپراتوری همچنان حفظ کرد. با این حال، سقوط روزافزون الهه‌ی بزرگ و قرار گرفتن خدایان عمده به جای او یکی از ویژگی‌های تحول مذهب در ایلام به شمار می‌رود. تحول مهم دیگر پیوستن این - شوشینک خداوند شوش به مجمع خدایان است، زیرا در این دوره این - شوشینک از جایگاه محلی خود به تدریج به مرتبه‌ی خدای بزرگ ملی ارتقا یافت و خدایان عمده‌ی ایلام قدیم را تحت الشعاع قرار داد. در زمان اونتش - گل، او مقامی برابر با «خدای بزرگ» پیدا کرده بود، اما یک قرن بعد، در زمان پادشاهی شیلهک - این شوشینک وی خدای بزرگ را کاملاً از میدان به در کرد. (۴۱)

بعضی از پادشاهان ایلام برای اینکه شدت تقدس خود را به خدایان نشان دهند اسامی خود را از بین اسامی آنها انتخاب می‌کردند، از جمله کوتیک اینشوشیناک، تیتی هویان اینشوشیناک، اینداتر اینشوشیناک، هالوتوش اینشوشیناک، هوتل اوتوش اینشوشیناک، آتاهامیتی اینشوشیناک، تمیت هویان اینشوشیناک، انیداتو ناپیر، تان روح اوراتیر، کوتیر ناهوتته، شوتروک ناهوتته اول و دوم و غیره حتی دختران پادشاهان ایلامی نیز اسامی خود را از نام خدایان خویش انتخاب می‌کردند. (۴۲) ایلامی‌ها بر این باور بودند که خدایان آنها قدرت مرموز و فوق طبیعی و

اسراسر آمیزی به نام «کیتین» دارند و شاهان ایلام نماینده «کیتین» هستند. هر کس به آنها بی‌حرمتی کند زندگی خود را از دست خواهد داد. (۴۳) این کلمه از ایلامی به آگدی با تغییر شکل به صورت «کیدنو» وارد شد [...]. این «کیتین» [کیتین] طلسم جادویی، تجلی الهی و قدرت آن در محافظت و در عین حال عذاب بود. و. ف. لیمانز W. F. Leemans دریافت که این طلسم می‌تواند شکلی فیزیکی، به صورت یک نشانه مقدس غیر قابل لمس از مفرغ یا سنگ داشته باشد. (۴۴)

جدا از شماری خدایان بزرگ که در سراسر کشور پرستش می‌شدند، بیشتر خدایان آشکارا چهره‌ای محلی داشتند، به نظر می‌رسد که در ایلام هرگز وحدتی در اعتقادات مذهبی به وجود نیامده باشد. شیلهک - این - شوشینک حتی در رسمی‌ترین کتیبه‌های خود از «خدایان ایلام»، «خدای انشان» و «خدای شوش» مدد می‌طلبد. از سوی دیگر، گروه دیگری از خدایان به نام خدایان ایپیر در برخی کتیبه‌ها ظاهر می‌گردند. شاه هنتی در مال امیر غالباً از «تیروتیر» مدد می‌جوید، حال آنکه نام این خدا در هیچ جای دیگر دیده نمی‌شود. (۴۵)

تنها اطلاع ما در مورد مراسم مذهبی ایلامیان از چند یافته‌ی پراکنده ناشی می‌شود. (۴۶) شناخت اندک خدایان ایلامی تنها به علت نقص دانش ما نیست، بلکه همچنین ناشی از عقاید و شیوه‌ی تفکر رایجی بوده که ایلامی‌ها در مورد خدایان خود داشته‌اند. بیشتر این خدایان موجودات توصیف‌ناپذیری بوده‌اند که نام واقعی آنها نه می‌بایستی بر زبان جاری شود و نه می‌بایستی شناسایی گردند و مهم‌تر اینکه، انسان ایلامی مجاز به توصیف و تبیین دقیق آنها نبوده است. (۴۷)

ایلامی‌ها خدایان خود را تنها با کلماتی همچون نیپر یعنی «خدا»، زانا یا زینی یا زین به معنی «بانو» و تمتی به معنی «حامی» نمی‌خواندند بلکه برای نامیدن آنها القابی را به کار می‌بردند که بیانگر خاستگاه محلی، کیفیت یا نقش ویژه‌ای از خدا بود. حتی نام الهه عالی نسب کیریریش به معنی «الهه بزرگ» و این - شوشینک نشان دهنده‌ی مقام و موقعیت او یعنی «خدای شوش» بوده است. افزون بر آن، گروهی از خدایانتن‌ها با صفات ترکیبی مانند نیراتپ، پهاهوتپ، یا پهاک کیپ مورد شناسایی قرار می‌گیرند. (۴۸)

هومبان از زمان کهن‌ترین متون به دست آمده، عالیترین خدای مذکر در ایلام بوده است و شاید دیگر مردمانی نیز که کمابیش به ایلامی‌ها منسوب بوده‌اند، او را پرستش می‌کرده‌اند. با اینکه ممکن است هومبان در اصل زبردست همسر خود، الهه بزرگ، بوده باشد، اما وی به مرور جایگاه الهه بزرگ را را به خود اختصاص داد و با اینجایگزینی اهمیت اصل برتری زن در عقاید مذهبی ایلام رو به کاستی گذاشت. مدارک موجود نشان می‌دهد که هومبان در سراسر امپراتوری مورد احترام و پرستش بوده است. با نام این خدا پیوسته عناوین گوناگونی چون «شاه»، «بزرگ‌ترین خدا»، «حامی بزرگ»، «خدای متعال حامی» و «برقرار کننده‌ی ثبات» همراه است. (۴۹)

با گذشت قرون اعتبار این - شوشینک پیوسته فزونی یافت. مقام او با حیات شهر شوش که از یک شهرک به صورت پایتخت یک امپراتوری در آمد، پیوندی نزدیک داشت [...]. گسترش آیین‌های مذهبی مربوط به این خدا به هنگام پادشاهی شیلهک - این - شوشینک که پرستش او را برای نخستین بار، یا از نو در شهرهای متعددی چون شوش، اکالاتوم، ماروت، پیتار، و شهان - تلاک بر قرار ساخت، به نهایت خود رسید [...]. آشوری‌ها این - شوشینک را با نینورتا و آدد خدایان بابلی برابر دانسته‌اند، اما وی تقریباً همیشه عنوان «خدای حامی شاه» را داشته و به ندرت در کسوت اصلی خویش با عنوان «خدای توفان»، «خدای باروری» یا «خدای جنگ» ظاهر شده است [...]. لازمه‌ی اقتدار پادشاهان تأیید این - شوشینک بود و آنان از وی برای یاری رساندن در جنگ‌ها و انجام کارهای مهم سپاسگزاری می‌کردند [...]. این - شوشینک به رغم پرستش گسترده‌ای که از او می‌شد، در اصل همیشه به صورت خدای شوش و

دور- اونتوش باقی ماند و هرگز به مقام «خدای ایلام» دست نیافت و کتیبه‌های ما امیر نامی از او نمی‌برند. (۵۰)

با اینکه اساس مذهب ایلامی برای ما پوشیده است، اما شواهدی همچون بناهای تاریخی، نقوش برجسته و پیکره‌ها و مهرها و آثار مهرها ویژگی‌های از آن دوران را آشکار می‌سازد [...] هر شهر خدای حامی ویژه‌ای را پرستش می‌کرد که او نیز برای خود همسری داشت و یکی از آنها بر دیگری برتر بود. مجمع خدایان، حتی نوع محلی آن، ظاهراً تا دوران سلسله‌های قدیم وجود نداشته‌سات. در دوران پروتو - ایلامی، شاه - کاهن را می‌بینیم که در کنار معبد ساخته شده بر بالای یک صفا بلند ایستاده است. (۵۱)

به نظر می‌رسد که آیین تطهیر مذهب ایلامی متأثر از نیایش آ، خدای آب‌ها و حکمت سومری بوده باشد. وجود این آیین با کشف تعدادی حوضچه و ظروف از شوش تأیید می‌گردد. دست کم یکی از این ظروف با نقش طناب بافته که نمادی از جریان آب است و نقش بز - ماهی تزیین شده است. شاهد دیگر نقش مات مفرغی اهدایی «سیت شمشی» است: دو مرد برهنه، به احتمال یکی کاهن و دیگری دستیار او، رو به روی یکدیگر در برابر یک معبد زانو زده‌اند و ظاهراً در بامدادان در حال انجام مراسم تطهیر با آب هستند. این دو اثر متعلق به اندک زمانی پس از اونتوش - گل است. سنگ یادمان تاریخی اونتوش - گل که نام وی را دارد، ویژگی‌های دیگری را از مذهب ایلام به ما نشان می‌دهد. جریان روان آب‌ها در این سنگ یادمان بار دیگر ظاهر می‌گردد. حالت نیایشگر نشان می‌دهد که خدا جای خود را به نماد خویش داده است و اعتقاد ایلامی‌ها به موجودات تخیلی نیمه انسان - نیمه جانور، موجوداتی با همان اهمیتی که برای مار قایل بودند، در این سنگ یادمان تصویر شده است. (۵۲)

مهم‌ترین نقش مایه را در هنر مذهبی ایلام مار تشکیل می‌دهد و در سنگ یادمان اونتوش - گل دو نمونه از این مارها را می‌بینیم. در واقع مار از زمانهای قدیم روی اشیا و به ویژه مهرهای دوران سوم اور ظاهر می‌گردد [...] این نمونه‌ها چه به صورت طبیعی و چه به صورت نمادین از خدایی بسیار کهن نشان دارند که مار نماد او، اسیر او و جهان زیرین قلمرو اوست. (۵۳) حتی بعضی اوقات انسان‌های اساطیری هم با ترکیبی از انسان و مار دیده می‌شوند یا با سر انسان و بدن مار بر روی مهر دیده می‌شوند. علاوه بر این، نقش مار بر روی نقش برجسته کورانگون و استل کوتیک اینشوشیناک گال نیز به عنوان سمبل خدایان ایلام جاری شده است. وجود نقش مار بر روی مهرهای استوانه‌ای، استل‌ها، نقوش برجسته و ظروف سفالی ایلامی نشانی از اهمیت ویژه مذهبی این نقش می‌دهد. پ. دومیر شیچی نقش مار را در مذهب ایلامی چنین تجزیه و تحلیل می‌کند که خدای مار و آبهای جهنده همان خدای بزرگ و خدای ملی ایلامی‌ها «اینشوشیناک» است. (۵۴)

بنا به تصورات مذهبی ایلامیان، خدایان ایلامی به صورت انسان ظاهر می‌شوند تاج شاخدار یکی از مهم‌ترین علائم الوهیت خدایان است. بر روی مهر اشپوم حاکم دیگر ایلام (حدود ۲۳۰۰ قبل از میلاد) تعدادی از خدایان ایلام در مقابل هم دیده می‌شوند که مشغول رقص مخصوص مذهبی‌اند. اثر مهری که در هفت تپه (۱۵۰۰-۱۳۵۰ قبل از میلاد) کشف شده تصویر یک انسان اساطیری را در مقابل خدای ایلامی نشان می‌دهد که نمونه دیگری از تصورات مذهبی ایلامی‌هاست. (۵۵)

پانویس

۱- ایران در سپیده دم تاریخ، رویه ۱۹-۱۸.

۲- ایران از آغاز تا اسلام، رویه ۵۳.

۳- ایران در سپیده دم تاریخ، رویه ۱۹.

۴- تاریخ و تمدن ایلام، رویه ۵۰.

- ۵- تاریخ و تمدن ایلام، روبه ۵۰.
- ۶- مذهب قوم ایلام، روبه ۷.
- ۷- دنیای گمشده ایلام، روبه ۳۲.
- ۸- تاریخ و تمدن ایلام، روبه ۵۰.
- ۹- دنیای گمشده ایلام، روبه ۳۲.
- ۱۰- تاریخ و تمدن ایلام، روبه ۵۰.
- ۱۱- دنیای گمشده ایلام، روبه ۳۲.
- ۱۲- تاریخ و تمدن ایلام، روبه ۵۱.
- ۱۳- تاریخ و تمدن ایلام، روبه ۵۱.
- ۱۴- دنیای گمشده ایلام، روبه ۳۳.
- ۱۵- تاریخ و تمدن ایلام، روبه ۵۱.
- ۱۶- دنیای گمشده ایلام، روبه ۳۳.
- ۱۷- تاریخ و تمدن ایلام، روبه ۵۱.
- ۱۸- دنیای گمشده ایلام، روبه ۳۴.
- ۱۹- تاریخ و تمدن ایلام، روبه ۵۱-۵۲.
- ۲۰- دنیای گمشده ایلام، روبه ۳۴.
- ۲۱- تاریخ و تمدن ایلام، روبه ۵۲.
- ۲۲- تاریخ و تمدن ایلام، روبه ۵۲.
- ۲۳- دنیای گمشده ایلام، روبه ۲۵.
- ۲۴- تاریخ و تمدن ایلام، روبه ۵۲.
- ۲۵- دنیای گمشده ایلام، روبه ۳۶.
- ۲۶- تاریخ و تمدن ایلام، روبه ۵۲-۵۳.
- ۲۷- تاریخ و تمدن ایلام، روبه ۵۳.
- ۲۸- تاریخ و تمدن ایلام، روبه ۵۳.
- ۲۹- دنیای گمشده ایلام، روبه ۲۸.
- ۳۰- تاریخ و تمدن ایلام، روبه ۵۳-۵۴.
- ۳۱- تاریخ و تمدن ایلام، روبه ۵۵.
- ۳۲- تاریخ و تمدن ایلام، روبه ۵۵.
- ۳۳- تاریخ و تمدن ایلام، روبه ۵۵.
- ۳۴- مذهب قوم ایلام، روبه ۶.
- ۳۵- مذهب قوم ایلام، روبه ۱۰.
- ۳۶- تاریخ و تمدن ایلام، روبه ۵۵.
- ۳۷- مذهب قوم ایلام، روبه ۴-۵.
- ۳۸- تاریخ و تمدن ایلام، روبه ۵۵.

- ۳۹-تاریخ و تمدن ایلام، رویه ۵۶.
- ۴۰-مذهب قوم ایلام، رویه ۵.
- ۴۱-تاریخ و تمدن ایلام، رویه ۵۶.
- ۴۲-مذهب قوم ایلام، رویه ۱۰.
- ۴۳-مذهب قوم ایلام، رویه ۱۱.
- ۴۴-تاریخ و تمدن ایلام، رویه ۵۶.
- ۴۵-تاریخ و تمدن ایلام، رویه ۵۷.
- ۴۶-دنیای گمشده ایلام، رویه ۴۰.
- ۴۷-تاریخ و تمدن ایلام، رویه ۵۸.
- ۴۸-دنیای گمشده ایلام، رویه ۴۰.
- ۴۹-تاریخ و تمدن ایلام، رویه ۵۸.
- ۵۰-تاریخ و تمدن ایلام، رویه ۵۸-۵۹.
- ۵۱-تاریخ و تمدن ایلام، رویه ۶۱.
- ۵۲-تاریخ و تمدن ایلام، رویه ۶۱.
- ۵۳-تاریخ و تمدن ایلام، رویه ۶۱-۶۲.
- ۵۴-مذهب قوم ایلام، رویه ۸-۹.
- ۵۵-مذهب قوم ایلام، رویه ۷.

کتابنامه

- ۱-مجیدزاده، یوسف؛ ۱۳۷۰؛ تاریخ و تمدن ایلام؛ نشر دانشگاهی تهران.
- ۲-هینتس، والتر؛ ۱۳۸۸؛ مترجم: فیروز فیروزنیا؛ دنیای گمشده‌ی ایلام؛ انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۳-صراف، محمد رحیم؛ ۱۳۸۷؛ مذهب قوم ایلام؛ نشر سمت.
- ۴-کامرون، جرج؛ مترجم: حسن انوشه؛ ۱۳۷۲؛ ایران در سپیده دم تاریخ؛ انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۵-گیرشمن، رومن؛ مترجم: محمد معین؛ ۱۳۵۵؛ ایران از آغاز تا اسلام؛ بنگاه ترجمه و نشر کتاب.